**انتخابات و سیاست خارجی**

پدید آورنده : ضیاء الدین صبوری ، صفحه 26

|  |
| --- |
| در نگاه نخست آنچه که مهم ترین دغدغه انتخاباتی گروه ها، طیف ها و اشخاص حامی و طرفدار کاندیداها و نامزدها را تشکیل می دهد، پیروزی در انتخابات است که معمولاً به عنوان یک هدف کلی و غایی در نظر گرفته می شود. این هدف چنانچه محقق شود طبعاً به مفهوم تسخیر قدرت خواهد بود؛ اما صورت بندی قدرت و رویکردهای اعمال قدرت در حوزه های مختلف از جمله در حوزه بسیار خطیر سیاست خارجی از ابهاماتی است که نیازمند مداقه و شفاف سازی بیشتر می باشد.  در این مسیر دو گونه می توان به مسئله پرداخت و در واقع دو الزام در پیش رو خواهد بود: از سویی باید نسبت خود با گذشته دور و به ویژه نزدیک را روشن ساخت و از سوی دیگر نقشه راه خود را ترسیم و تبیین کرد؛ به این مفهوم که در صورت پیروزی چه مسیری برای دستیابی به اهداف و استراتژی سیاست خارجی انتخاب خواهد شد تا بتواند جمیع منافع متصور در بعد کلان ملی را تأمین نماید.  در این نوشتار دو الزام پیش گفته بررسی و با انتخاب برش هایی از مواضع و ارزیابی ها در چار چوب نوشته ها و گفته های منتخب بازتاب یافته در رسانه ها به اجمال پیرامون آن نکاتی یادآوری و بیان خواهد شد.  **الف - دیپلماسی تهاجمی**  نگاه منتقدان و تحلیگران به دیپلماسی دولت نهم که با رویکرد تهاجمی عملکرد چهار ساله ای را از خود بر جای گذاشته، اگر چه متفاوت و با نظر موافق و مخالف همراه است، لیکن عمدتاً کافی و وافی ارزیابی نمی شود. استفاده از ادبیاتی کاملاً متفاوت از گذشته که کشور را از بازیگران اصلی روابط بین الملل و جامعه جهانی دور و به برخی جهات خاص منطقه ای نزدیک ساخته مهم ترین مشخصه رویکرد مزبور است که در نگاه تحلیگران فرصت های بسیاری را از کشور دریغ داشته است .  یک استاد دانشگاه در گفت و گو با خبرگزاری موج به بررسی عملکرد سیاست خارجی دولت نهم و ضرورت های رویکرد دیپلماتیک دولت دهم پرداخته و به این سؤال که دیپلماسی تهاجمی تا چه میزان توانسته منافع ملی ایران را در جوامع بین المللی تأمین کند؟، چنین پاسخ داده است: مواضع تهاجمی دولت نهم در مجامع بین المللی هر چند توانست به دلیل سیاست هایی که در دهه های گذشته کشورهای قدرتمند جهان نسبت به کشورهای کمتر توسعه یافته جهان داشتند و یا سیاست هایی که در دهه اخیر از سوی ایالات متحده امریکا درباره کشورهای خاورمیانه اعمال شد، حامیانی در جهان یافته است و مورد استقبال جهانیان قرار دارد، اما اقدام مثبتی در جهت تأمین منافع ملی ایران تلقی نمی شود. به عبارت دیگر، در تنظیم روابط خارجی هر کشور اقداماتی ارزشمند به حساب می آیند که منافع کشور را در تمام ابعاد دیپلماتیک در نظر داشته باشد. ولی متأسفانه منافع ما به واسطه اجرای سیاست های تهاجمی دولت به خطر افتاده و این نوع رویکرد هر چند حامیانی در افکار عمومی جهان دارد، ولی پیامد مثبتی را برای سیاست خارجی ایران به همراه نداشته است.(1)  این استاد دانشگاه تصریح می کند عدم سیاست گذاری های هوشمندانه دولت در روابط دیپلماتیک کشورهایی را از دامنه ارتباطی ما خارج کرده است که می توانستند در مسیر رشد و توسعه همراه و همگام ملت ایران باشند .  **ب - رویکرد تهاجمی و پرونده هسته ای**  در همین حال طرفداران رویکرد تهاجمی دولت نهم، پیشرفت و کسب موفقیت در پرونده هسته ای ایران را به عنوان استدلال خود در ارزیابی مثبت کارنامه دولت مطرح می کنند و بر این اعتقادند که این رویکرد در پرونده هسته ای برای کشور متضمن اقتدار ملی بوده است.  دکتر کولایی این استدلال را یکجانبه می داند و می گوید:  تردیدی نیست که طرفداران این نظریه توجه دارند که مردم ایران حقوق مسلم متنوع و گوناگونی دارند که به موضوع هسته ای منتهی نمی شود. سیاست مداران و سیاست گذاران باید در یک رویکرد همه جانبه و چند وجهی به همه منافع و مطالبات مردم ایران فکر کنند. به صرف اینکه ما بتوانیم در یک حوزه دستاورد قابل توجهی را مشاهده کنیم، نمی تواند توجیه کننده خسارتی باشد که اتخاذ این رویکرد در بلند مدت برای همه ابعاد منافع ملی به همراه دارد.(2)  وی معتقد است که دولت در تنظیم روابط خارجی خود باید به وجوه مختلف خواست های بین المللی مردم ایران توجه داشته و هنگامی که از حقوق مسلم مردم ایران صحبت می کند، بتواند تأمین این حقوق مسلم را در سایر حوزه ها میسر و فراهم سازد.  اتخاذ رویکرد تهاجمی معمولاً با صرف هزینه بیشتر و سرعت بیشتر همراه است؛ اگر چه ممکن است در زمان به ظاهر صرفه جویی شود یا زودتر خواسته ها نزدیک یا محقق گردد، اما تبعات و هزینه های آن نیز می بایست مورد ارزیابی قرار گیرد. تناسب هزینه ها و دستاوردها )هزینه، فایده( مهم ترین شاخص این ارزیابی خواهد بود. دو ارزیابی از دو مسئول بلند پایه سابق در دو روایت رسانه ای ناظر به این مطلب است:  1. سید محمد خاتمی رئیس جمهور سابق در نیمه اسفند ماه سال گذشته در سفر به استان بوشهر و طی سخنانی در جمع مردم این استان، گلایه ای را در قالب یک پرسش مطرح ساخت:  آیا فکر می کنید تکنولوژی هسته ای فقط ظرف یکی دو سال اخیر به این جا رسیده است؟ درحالی که سال ها خون دل خورده شد، و تلاش های فراوانی در این خصوص صورت گرفته است!(3)  ارزیابی وی از دیپلماسی هسته ای در جریان پی گیری های دولت نهم چنین با صراحت بیان شده است:  معتقدم می شد به تکنولوژی صلح آمیز هسته ای دست یافت بدون آنکه ذره ای از اصول و منافع خود پایین بیاییم و می شد کارهایی کرد که امروز صاحب تکنولوژی هسته ای باشیم و پرونده ما در شورای امنیت نبود.(4)  2. دکتر حسن روحانی دبیر اسبق شورای عالی امنیت ملی ارجاع پرونده ایران به شورای امنیت را یک تهدید جدی می داند و از اینکه دولت نهم آن را صرفاً یک بلوف دانسته انتقاد دارد:  ما از روز اول می گفتیم که تهدید ارجاع پرونده ایران به شورای امنیت جدی است و امریکا و اسرائیل مجدانه دنبال آن هستند، اما برخی ها در جلسات و روزنامه هایشان فریاد می زدند که این مسئله فقط یک بلوف است. این افراد هنگامی که پرونده ایران به شورای امنیت ارجاع شد، باز تأکید کردند که ظاهری است و شورای امنیت هیچ کاری صورت نخواهد داد. وقتی که بیانیه شورای امنیت صادر شد باز ادعا کردند که شورای امنیت فقط یک بیانیه صادر کرد و نتوانست کار دیگری انجام دهد. وقتی که اولین قطعنامه صادر شد، گفتند که آخرین تیر شورای امنیت بود و کار دیگری صورت نخواهد داد. اما الان می بینیم که چند قطعنامه تحریم صادر شده و حتی در حال برنامه ریزی برای ادامه این روند هستند.(5)  رئیس مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام اشتباهات اجرایی را باعث وارد آمدن خسارت های پرهزینه دانسته و در همین خصوص به قضاوت و مقایسه دوره فعلی با دوره مسئولیت خود در پرونده هسته ای پرداخته و می گوید:  راهی که در زمان مسئولیت من در پرونده هسته ای طی شد با سرعت کمتر و در مقابل ما هزینه ناچیزی ما را به مقصد می رساند. راهی که در دولت نهم انتخاب شده است، سرعت بیشتری دارد، اما در مقابل هزینه گزافی هم بر کشور تحمیل کرده است. توجه داشته باشید که فعالیت های هسته ای کشورمان یک کار بزرگ، بسیار ارزشمند و افتخار آفرین است و در اصل آن مناقشه و اختلافی وجود ندارد. بحثی که مطرح است این است که چگونه می توان با هزینه کمتری به مقصد رسید و چگونه باید حرکت کرد که اشتباهات اجرایی باعث خسارت های پر هزینه نشود.(6)  **بی توجهی به تجربیات قبلی**  تجربه ای که دکتر روحانی از آن سخن گفته، حاصل اندیشه و عمل ارزشمند در طی سالیانی است که با صرف توان و تلاش های گرانقدر نصیب کشور شده و بحق می بایست مورد توجه مسئولان فعلی قرار می گرفت، اما رویکرد جدید به گونه ای بود که از نو با آزمون و خطای دیگر آغاز شد و ادامه یافت. هزینه هایی بعضاً بالا و قابل توجه را متوجه کشور نمود.  بی توجهی به تجربیات قبلی آسیبی است که در رویکرد مدیریتی جدید گریبانگیر ساختار اجرایی کشور شده و در واقع به یک بحران مدیریتی منجر شده است. دکتر روحانی در این باره نیز معتقد است که برداشت های نادرست از مسائل بین المللی و بی توجهی به تجربیات گذشته کشور مشکلاتی را ایجاد کرده است. وی با ذکر مثالی می گوید: هشدار دادیم که سیاست خوش بینی مفرط بر شرق جواب نمی دهد؛ اما به هشدارها توجه نکردند و نهایتاً کار به آنجا رسید که دیدیم کشورهای جهان شرق از جمله روسیه و چین و هند به قطعنامه های ضد ایرانی رأی مثبت دادند. البته کسانی که آن روز سیاست قطع مذاکره با اروپا و تمرکز بر شرق را مطرح کردند، اکنون حرف های قبلی خود را قبول ندارند؛ اما سؤال این است که چرا نباید به تجربیات قبلی توجه می شد؟(7)  به هر حال علیرغم آنکه عملکردها در تمامی حوزه ها از جمله حوزه سیاست خارجی و روابط خارجی نمی تواند به طور کامل از اشتباهات مصون باشد، اما جنبه های مثبت اقدامات مسئولان قبلی می تواند به عنوان سرمایه و اندوخته ارزشمندی مورد توجه مسئولان جاری باشد و در شکل گیری اقدامات تازه مورد توجه قرار گیرد.  **کسب پرستیژ و احترام**  نفی کلی تمامی عملکردهای گذشته به هیچ وجه مقبول نخواهد بود به خصوص رویکردهایی که در تأمین منافع ملی مؤثر و کار آمد بوده و به کسب پرستیژ بین المللی کشور کمک شایسته ای کرده است.  دکتر کولایی در پاسخ به سؤالی در خصوص اینکه نرمش سیاسی دولت پیشین در مقابل کشورهای غربی هم نتوانسته منافع ملی ایران را آن طور که انتظار می رفت تأمین نماید، می گوید:  بدون تردید نسبت به عملکرد دولت اصلاحات در بُعد سیاست خارجی می توان انتقاداتی مطرح کرد، اما آنچه جلوه مثبت عملکرد دولت اصلاحات را نمایان می سازد، این است که دستاورد دولت های هفتم و هشتم مانع از صدور قطعنامه علیه ایران شد. جلوگیری از صدور قطعنامه علیه کشوری که نقش حائز اهمیتی در تأمین صلح وثبات و آرامش خاورمیانه دارد، نقطه عطف سیاست خارجی دولت اصلاحات بود.(8)  کسب پرستیژ و احترام قطعاً از مهم ترین اهدافی است که در سیاست خارجی هر کشور مطرح است و واحدهای سیاسی به دنبال این هدف به نقش آفرینی در سطح روابط بین الملل می پردازند.  این استاد دانشگاه معتقد است که حتی منتقدان دولت پیشین به این نکته اذعان دارد که دستاورد آن در زمینه کسب وجهه و اعتبار سیاست خارجی ستودنی بوده است:  باید گفت این دستاورد گرچه امکان تداوم آن فراهم می شد، می توانست زمینه و بستر مناسبی را برای توفیق های بعدی سیاست خارجی ایران به همراه داشته باشد که متأسفانه این ارتباط منقطع شد و امکان بهره گیری از این احترام ایجاد شده در جوامع بین المللی نسبت به جمهوری اسلامی به وجود نیامد. اشاره به این نکته بسیار حائز اهمیت است که کسب پرستیژ و احترام مقدمه دستاوردهای قابل توجه در سیاست خارجی هر کشوری است که متأسفانه به دلیل تغییر دولت بهره گیری مناسب از آن نبردیم.(9)  **مواضع پر هزینه**  ایراد سخنرانی ها و اعلام مواضع چنانچه برنامه ریزی شده و هدفمند باشد، می تواند متضمن منافع ملی باشد و راهی را برای کسب اعتبار بیشتر و یا امتیازهایی برای کشور بگشاید اما هر گونه اظهار نظر و اعلام موضع بدون هدف می تواند برای کشور هزینه ساز باشد و جبران خسارت های ناشی از آن نیز چه بسا به راحتی امکان پذیرفته نباشد.  ارزیابی رئیس مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام درباره اعلام مواضع مسئولان اجرایی کشور طی چند سال اخیر ناظر بر عدم ضرورت بسیاری از موارد می باشد که مورد سوء استفاده دشمنان قرار گرفته و هیچ دستاورد ملموسی را نیز به همراه نداشته است:  برخی از رفتارها و اظهاراتی که طی سه سال گذشته در حوزه سیاست خارجی ابراز شده است را نمی پسندم. هر چند که طبیعی است مسؤولان مربوطه از عملکرد خود دفاع کنند. چرا باید مسایلی را مطرح کنیم که بی جهت دنیا را علیه جمهوری اسلامی تحریک کند و هزینه های سنگینی را بر کشور تحمیل نماید.  بسیاری از سخنرانی های پر هزینه و تحریک کننده که بدون هیچ ضرورت خاصی مطرح شد و البته از سوی دشمنان هم موردسوء استفاده قرار گرفت، هیچ دستاوردی برای نظام و کشور نداشته است. بدتر از همه این بود که بسیاری از این سخنرانی ها بدون هیچ هدف یا برنامه خاصی مطرح می شد و تازه پس از آن که با واکنش شدید و غیر منتظره مواجه می گشت، تلاش می کردند برای آن هدف تراشی کنند؛ یعنی سعی می کردند اهداف و دلایل را برای این اظهارات دست و پا کنند و اینگونه القا کنند که گویا این سخنرانی ها در قالب یک سناریوی پیچیده مطرح شده است.(10)  **تعامل سازنده با جهان**  سیاست خارجی موفق بدون تعامل با دیگران امکان پذیر نخواهد بود.این تعامل زمانی مؤثر و کار آمد و در عین حال سازنده خواهد بود که با هدف تنش زدایی صورت پذیرد و تا بتوان از این طریق منافع بی شماری را نصیب کشور کرد.  این پارامتری است که هم می توان در نقد فعالیت های جاری به آن توجه کرد و هم از منظر صورت پذیری و ترسیم فضای آتی سیاست خارجی مورد توجه قرار گیرد و تابلو راهنمای تصمیم سازان سیاست خارجی در دولت جدید باشد.  یک کارشناس مسائل بین المللی معتقد است که مهم ترین اولویت سیاست خارجی در دولت دهم باید اجرایی کردن الزامات سند چشم انداز در ابعاد خارجی باشد.  براساس الزامات مندرج در سند چشم انداز، تعامل سازنده با جهان به منظور رسیدن به جایگاه نخست علمی، فن آوری و اقتصادی هدفی واضح است که به منظور اجرایی شدن آن، تعامل سازنده با جهان با هدف رفع تنش های پوچ باید در دستور کار قرار گیرد.(11)  **رفع تهدیدهای احتمالی آینده**  برنامه ریزی برای تهدید زدایی با شناخت واقعی تهدیدها برای عبور از گردنه های تهدید ساز و خطر آفرین همواره در دستور کار سیاست خارجی قرار دارد. آگاهی از راهکارها و به کارگیری دقیق آن به منظور رفع تهدیدها و آسیب های احتمالی این نوید را برای کشور به ارمغان می آورد که راه پیشرفت و تعالی در بعد خارجی و به تبع آن در بعد داخلی را پیش رو قرار می دهد و پاسخگوی نیازهای موجود خواهد بود.  دکتر حسین علایی کارشناس مسائل استراتژیک معتقد است که امروز پیشرفت هم نیاز اصلی مردم کشور ماست و هم زمینه را برای رفع تهدیدات احتمالی در آینده علیه امنیت ملی بر طرف خواهد کرد ؛ بر این اساس سیاست خارجی آتی ما باید به گونه ای تنظیم شود تا مسائل موجود ما با جهان را در قالب های مدرن به گونه ای هوشمندانه البته با رعایت استقلال و هویت ملی مان حل و فصل نماید.(12)  **پیوستگی اقتصاد و سیاست خارجی**  برای نیل به پیشرفت در چارچوب الزامات توسعه می توان به پیوند و پیوستگی اقتصاد و سیاست خارجی توجه داشت و تأثیر متقابل این دو فاکتور را در فرایند توسعه کشور لحاظ نمود.  توسعه به ویژه در بعد اقتصاد که زیر بنایی ترین بعد آن می باشد، مستلزم وجود سیاست خارجی کار آمد و روابط مثبت و سازنده با کشورهای دیگر است تا در چارچوب همکاری های متقابل بتوان اهداف توسعه ای را تحقق بخشید.  مرز سیاست خارجی و اقتصاد در جایی که ارتباطات و تعاملات داخلی و خارجی برای پی گیری و اجرای پروژه ها به هم پیوند می خورد، بسیار مخاطره آمیز و در عین حال حساس است و در هر دو حوزه نیازمند وجود استراتژی روشن و هماهنگ به منظور تعقیب سیاست ها است و چنانچه در هر زمینه ها دچار خلل شود ناهماهنگی های حاصل از آن هزینه های هنگفتی را بر پیکره و ساختار اجرایی کشور بار خواهد کرد. لذا برخی بر آنند که توسعه اقتصادی بایدبه عنوان مهم ترین اولویت سیاست خارجی دولت دهم مد نظر قرار گیرد:  چنانچه دولت بعدی، اقتصاد را به عنوان محور پیشرفت کشور تلقی نماید و سیاست خارجی را در خدمت توسعه اقتصادی قرار دهد، بخشی از اهداف مورد نظر سندچشم انداز به فاز اجرایی شدن وارد خواهد شد. بنابراین دولتمردان ما باید بیش از هر چیز به پیشرفت کشور بیندیشند.(13)  اهمیت فوق العاده پرداختن به مسائل اقتصادی در قالب حمایت های سیاست خارجی در این چارچوب معنا می یابد که اتخاد مواضع ناسنجیده در تعاملات اقتصادی می تواند تأثیرهای منفی بر جای گذارد و تبعات هزینه جاری را متوجه کشور نماید.  یک ارزیابی در این خصوص گویای آن است که در حال حاضر ارتباط منطقی کشورمان با جهان به دلیل صدور قطعنامه های پیاپی شورای امنیت و همچنین اتخاذ برخی مواضع ناسنجیده و غیر منطقی دستخوش ناآرامی شده است. این نا آرامی تأثیرات فراوانی را در تعامل اقتصادی ما با دنیای بیرون نهاده است.  **مواجه مطلوب با دیگران**  تاکید بر مصلحت و تدبیر در مواجهه با سایر کشورها مهم ترین عاملی است که می تواند سلامت و موفقیت ارتباطات و تعاملات با دیگران را تضمین و از اشتباهات و لغزش ها جلوگیری نماید. حتی اگر این ارتباط و تعامل در سطح رابطه با امریکا مطرح باشد که در طول سه دهه پس از انقلاب همواره حساسیت های خاص خودش را به همراه داشته است. لذا برخی معتقدند که دولت آتی باید با تأکید بر مصلحت و تدبیر به حل نهایی این وضعیت بپردازد. در این چارچوب هر چند مذاکره با امریکا به عنوان راه حلی قطعی پیشنهاد نمی شود، اما باید پذیرفت که نوع مواجهه سال های اخیر نیز میان دو کشور نامطلوب بوده است. ازسوی دیگر مشی اعتقادی ما ایجاب می کند که دولت ایران هیچ گاه رابطه خود را با یک کشور اهرمی برای برقراری ارتباط و یا فشار به کشور دیگر نکند، بلکه مواضع اصولی ما نسبت به هر کشور باید جداگانه تعریف شود.(14)  **روابط دیپلماتیک دولت دهم**  بر اساس موادی که بیان شد، می توان بایسته هایی را برای شکل دهی به روابط دیپلماتیک دولت دهم پیشنهاد کرد. نو آفرینی فرصت های از دست رفته، استفاده از ظرفیت ها و خلق فرصت های جدید، مهم ترین شاخص ها برای تنظیم این روابط است.  دولت آینده باید با نگاه به نقش و جایگاه برجسته ایران در منطقه، فرصت هایی را که فرا روی دولت نهم قرار داشت، ولی از آنها استفاده نکرد، از نو بیافریند. این دولت دیگر نباید به کشورهای خاورمیانه خارج از توان سیاسی آنها امتیاز دهد و زمینه اهانت های این کشور به مردم ایران را ایجاد کند.  در یک ارزیابی واقع گرایانه با بهره گیری از ظرفیت های دیپلماتیک و ارزشمندی که در کشور وجود دارد، راه را برای ارتقای جایگاه ایران در منطقه و نیز حضور فعال در بازی های منطقه ای هموار سازد.  درآینده با ایجاد تغییر در روند شکل گیری سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، فرصت هایی متناسب با امکانات و ظرفیت های ایران خلق می شود که می بایست با بهره گیری از آنها منافع ملی را در بالاترین سطح تأمین کنیم.  **پی نوشت ها:**  1. کولایی، الهه، در گفت وگو با خبرگزاری موج، مورخ88/2/4.  2. همان  3. خاتمی، سید محمد ؛ سخنرانی در جمع مردم استان بوشهر به نقل از سیاست دولت دهم، مورخ 87/12/18.  4. همان.  5. روحانی، حسن ؛ سخنرانی در جمع اعضای برگزیده تشکل های انجمن اسلامی با بسیج دانشجویی و جامعه اسلامی دانشگاه فردوسی و دانشگاه علوم پزشکی مشهد، به نقل از سایت خبری ایران، مورخ 87/12/12.  6. همان.  7. همان.  8. کولایی، همان.  9. همان.  10. روحانی، همان.  11. علایی، حسین، به نقل از شبکه خبری تحلیل صنایع نیوز، مورخ 88/1/26.  12. همان.  13. همان.  14. بانک، مرتضی، به نقل از آفتاب نیوز، مورخ 88/1/21. |